

پیشنهاد تغییر قانون اساسی در گفت و گو با یزدی، عطریانفر و منصوری

۲۸ خرداد ۱۳۸۷

رادیو زمانه : روز پنج‌شنبه بیست و سوم خرداد ماه، در سایت روز آنلاین مصاحبه‌ای از آقای دکتر یزدی منتشر شد که مطالب اساسی و مهمی را در رابطه با شرایط فعلی کشور و بحران‌های جاری مطرح می‌کرد .

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این رابطه طرح شد، مساله قانون اساسی بدون ولایت فقیه بود. آقای یزدی پیشنهاد می‌کند به قانونی برگردیم که قبل از تصویب قانون اساسی فعلی نوشته شده و رهبر انقلاب نیز با آن موافق بوده است. در آن قانون اساسی، جایگاهی برای ولایت فقیه منظور نشده بود .

این پیشنهاد آقای یزدی، بازتاب وسیعی در جامعه سیاسی ایران در داخل و خارج کشور یافته است. اما سوال این است که چنین پیشنهادی آیا مدافعی در داخل کشور خواهد داشت؟ در پیگیری این موضوع به خود آقای دکتر یزدی مراجعه کردم و همچنین با آقای محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی که حول سیاست‌های آقای هاشمی رفسنجانی فعالیت می‌کند، و خانم آذر منصوری، معاون سیاسی حزب مشارکت و هر دو از احزاب مطرح در جبهه اصلاحات گفت و گو کردم .

قبل از هر چیز از آقای دکتر یزدی می‌پرسم که چرا در شرایط فعلی به چنین نظری رسیده‌اند؟

علت طرح این مساله که باید برگردیم به قانون اساسی اول جمهوری اسلامی ایران، این است که بحران‌های کنونی، مشکلات و مسایلی که در کشورمان در حال شکل‌گیری است، آرام آرام به نقطه‌ی بسیار تند و پرشتاب خودش می‌رسد .

وقتی رییس جمهوری می‌گوید به اول انقلاب برگردیم، منظور او فقط این نیست که ما می‌خواهیم اصلاح‌طلبان را کنار بگذاریم. اگر قرار است که به اول انقلاب برگردیم و رییس جمهور دارد این کار را می‌کند، خوب من هم می‌گویم برای حل این مشکلات برگردیم به اول انقلاب.

یک سندی وجود دارد، خوشبختانه این سند مورد تصویب دولت موقت و شورای انقلاب قرار گرفت و رهبر فقید انقلاب آن را امضا کرد و نه تنها رهبر انقلاب، بلکه روحانیون برجسته‌ی حزب جمهوری که امروز هم از رهبران کنونی هستند و آن موقع هم در شورای انقلاب اکثریت را داشتند، در همان زمان اصرار داشتند که همان قانون اساسی را به اجرا بگذارند.

ولی آقای یزدی، یکی از سوالاتی که می‌تواند طرح بشود این است که آیا چنین پیشنهادی در شرایط فعلی می‌تواند به یک پروژه سیاسی تبدیل بشود؟

در فاز اول برای این‌که یک پروژه اصلاحی شکل بگیرد، ابتدا باید طرح موضوع کرد. اما من معتقدم مجموعه مناسبات درون سیستم و بیرون سیستم به گونه‌ای است که این ظرفیت را دارد که خودش، خودش را اصلاح بکند.

برای این‌که خودش بتواند خودش را اصلاح بکند برخی از افراد فقط صورت مساله را بیان می‌کنند اما راه حلی ارائه نمی‌دهند. من در این‌جا با توجه به آن مقدمه تاریخی، یک راه حل را ارائه می‌دهم.

از آقای یزدی می‌پرسم که آیا در میان جبهه اصلاحات، در میان نیروهای هوادار آقای هاشمی رفسنجانی یا آقای خاتمی، حامیانی برای پیشنهاد خود می‌شناسند؟

چنان‌که آدم‌هایی نظیر آقای هاشمی رفسنجانی هم نسبت به وضعیت کنونی اظهار نارضایتی می‌کنند، باید یک راه‌حلی برای خروج از این وضعیت پیش آمده، داده بشود.

من در حال حاضر موضوع را مطرح کردم، بازتاب آن در میان اصلاح‌طلبان و بسیاری از جناح‌ها مثبت بوده است. براساس چیزی که در خفا، در بحث‌های خصوصی مطرح بوده، یعنی جستجوی راه حل‌ها، هر گروهی یک راه حلی ارائه می‌دهد.

در چنین فضایی من این پیشنهاد را مطرح کردم. به نظرم این‌جوری است که آرام آرام پیرامون این راه حل، پروژه‌ای شروع به کار خواهد کرد.

ولی آقای محمد عطریانفر، از سیاست‌گذاران نزدیک به آقای هاشمی رفسنجانی در این مورد این‌طور می‌گوید:

ما ابتدا باید این را مطرح کنیم که آیا قانون اساسی فعلی ایران، ظرفیت تغییر را به‌صورت اضافه شدن برخی از مباحث یا محورهای مواد یا کم شدن بعضی از مواد دارد؟ آیا این ظرفیت به لحاظ قانونی در آن دیده شده است؟ بله، پاسخ مثبت است.

نکته دوم این است که آیا در شرایط فعلی چنین پیشنهادی برای تغییر در دستور کار رهبران سیاسی ایران، نظام حقوقی ایران یا نظام سیاست‌ورزی احزاب ایرانی وجود دارد؟ نه، وجود ندارد.

اما این‌که آیا مشخصاً یک پیشنهادی که موکول باشد به این‌که موضوع اختیارات ولایت فقیه در واقع از درون قانون اساسی خارج بشود و کنار گذاشته بشود؛ این مشخصاً پیشنهادی است که جناب آقای دکتر یزدی معطوف می‌کنند به یک پیشنهاد اولیه‌ای که در سال ۱۳۵۷ مطرح شده و گفته می‌شود که از نظر رهبر انقلاب - امام خمینی - هم در آن زمان مورد توجه بوده و تایید شده است.

اما چون خود امام خمینی، به عنوان رهبر انقلاب و به عنوان دائرمدار همه امور در زمان خودشان قائل به این بودند که به صرف تایید شخصی ایشان کفایت نمی‌کند و این باید برود در قالب یک مجلس موسسان که نهایتاً بعد تبدیل شد به مجلس خبرگان.

بعد مجموعه تدوین شده‌ای که مجلس خبرگان داشته به رای ملت و فراندوم گذاشته شده و آری گرفته، طبعاً آن مجموعه می‌تواند ملاک عمل باشد. نهایتاً چون خود امام خمینی هم آنچه را که توسط خبرگان تدوین شده و به رای ملت گذاشته شده، تایید کردند و آن را ملاک عمل دانستند؛ طبعاً هم به دلیل قانون‌گرایی احزاب و گروه‌های سیاسی، هم به دلیل حرمتی که رهبری فقید انقلاب نزد مردم و گروه‌های سیاسی دارد، آن ملاک عمل است.

قانون اساسی موجود، در درون خودش، ساز و کار تغییر را پیش بینی کرده است. اما در آنچه امروز مورد بحث سیاسیون ایرانی هست، اساساً سخنی از تغییر قانون اساسی نیست و همین قانون اساسی موجود از آن چنان ظرفیت اصلاح‌طلبانه‌ای برخوردار است که می‌تواند با عملیاتی کردن بسیاری از محورهایی که در قانون مشخص است، ما به ظرفیت‌های اصلاح‌طلبانه پاسخ مثبت بدهیم و نیاز جامعه را مرتفع بکنیم.

و خانم آذر منصوری از حزب مشارکت در این باره می‌گوید:

مساله ما الان، این نیست. هر چند من اعتقاد دارم حتماً آقای یزدی در جمع خودشان یعنی نهضت آزادی، بر اساس جمع‌بندی و یک تحلیلی به این نتیجه رسیدند، ولی من خودم ارزیابی‌ام این است که الان مشکل اساسی کشور ما، این نیست و در شرایط فعلی طرح این موضوع، مشکلی را از مشکلات پیش رو، به‌ویژه جنبش دموکراسی‌خواهی برطرف نمی‌کند و شاید به مراتب مشکلات بیشتری را پیش روی فعالین این حرکت هم ایجاد بکند.

فرایندی که موجب شده قانون اساسی ما به وضع موجود برسد، فرایندی بوده که از ابتدای انقلاب پایه‌ریزی شده است. این‌که من می‌گویم «فرایند»، به این دلیل است که قطعاً هر اتفاقی که در این کشور بیفتد، باید از مسیر تعریف شده‌ای که در قانون ما دیده شده، عبور بکند.

در غیر این صورت فکر می‌کنم نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است مشکلات موجود را بیشتر هم بکند.

از آقای یزدی می‌پرسم که چه پاسخی برای اظهارات خانم منصوری و آقای عطریانفر دارد؟

من به جهت تاکتیکی با نظر این‌ها مخالفم. ولی آقای احمدی‌نژاد این قدرت و امکان را از کجا آورده است که چنین رفتار می‌کند؟ من به عنوان کسی که در هر حال چنین سوابق تاریخی و تجربه و دانش‌اش را دارم، می‌گویم راه حل این است.

اگر چنانچه اراده اصلاح باشد؛ اگر می‌خواهند که وضعیت را درست بکنند و جلوگیری از سقوط بکنند، راه‌حل این است.